

## حاج رضوان از ولادت تا شهادت ...

فرازهایی از زندگی نامه سراسر جهاد و مبارزه

زنده یاد شهید حاج عماد مغنیه

حسن خامه یار

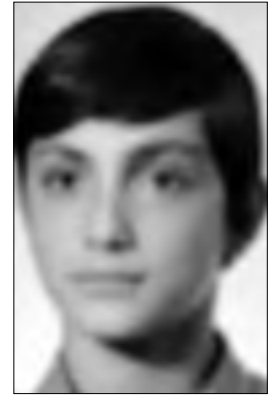
تحقیق و تفحص در زندگی مردان تاریخ ساز، و نامداران بزرگ دوران‌های گذشته و معاصر، کار بسیار ساده و آسان است. ولی تلاش برای راهیابی و شناسایی ابعاد شخصیت و جوانب دقیق و حساس زندگی و دستاوردهای مردان بزرگی همچون شهید حاج عماد مغنیه که به مدت سه دهه مورد تعقیب مهمترین سرویس‌های امنیتی جهان قرار داشته و در دگرگونی معادلات بین‌المللی نقش تعیین کننده بازی کرده است، کاری بسیار سخت و دشوار است. خبرنگار شاهد باران در چارچوب تلاش‌های دامنه‌دار برای تهیه این ویژه نامه و آگاهی از زندگی این ابر مرد ناچار بود به منابع و شخصیت‌های گوناگون رجوع کند تا با استاد و مدارک موثق زندگی نامه این فرمانده شجاع را در اختیار علاقمندان قرار دهد. آنچه می‌خوانید حاصل تلاش‌های همه جانبه‌ای از قبیل گفت و گو با شخصیت‌های آگاه و نزدیک به حزب الله و یا رجوع به منابع گوناگون بوده است:

الوزیر (ابو جهاد) و شهید صلاح خلف (ابو ایاد) و سایر رهبران جنبش فتح را تأمین کند. صاحب نظران دیگری بر این باورند که حاج رضوان هیچ‌گاه به یگان شماره ۱۷ نیویسته بود، بلکه در برخی موارد محدود به ویژه در زمینه طرح و تدارک برنامه‌های عملیاتی با آن همکاری می‌کرده است.

در یادگانی که حاج رضوان در آن دوره آموزش نظامی می‌دید نیروهای طرفدار گرایشات فکری متعددی همچون مارکسیست‌ها، مانوئیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و مذهبی‌ها، به طور داوطلبانه درباره راه‌های فراگیری تاکتیک‌های نظامی و انواع اسلحه سبک و شیوه جنگ پارتیزانی آموزش می‌دیدند. با وجودی که حضور طرفداران گرایشات سکولار و ضد دین در میان هواداران جنبش‌های رهایی بخش عرب پیدا می‌کرد، ولی عماد مغنیه به اعتقادات مذهبی خود به شدت پایبند بود. در آن زمان جنگ‌های داخلی لبنان به منظور کوتاه کردن دست جنبش مقاومت فلسطینی از این کشور تازه آغاز شده بود، و مناطق جنوبی از آرامش نسبی برخوردار بودند. او سعی می‌کرد در جنگ‌های داخلی لبنان دخالت نکند، و به همین خاطر همراه گروهی از مبارزان مذهبی به جنوب رفت و تلاش‌های خود را روی مبارزه با دشمن صهیونیستی متمرکز کرد. زیرا جنوب در آن مرحله از آرامش نسبی برخوردار بود. شهید حاج عماد افزون بر فراگیری آموزه‌های نظامی و انقلابی در مراکز نظامی جنبش فتح، در کلاس‌های دروس مذهبی و علمی علامه سید محمد حسین فضل الله شرکت می‌کرد، تا میزان معلومات دینی و علمی خود را نیز بالا ببرد.

هم‌زمان حاج عماد مغنیه نقل کرده‌اند که او از جمله رزمندگانی بود که در رفتار و کردار و روابط عمومی خود به شدت مراقبت به عمل می‌آورد. شاید یکی از افرادی بود که نظم و انضباط را به شدت رعایت می‌کرد. در مبارزه خلاقیت و ابتکار عمل نشان می‌داد.

حاج عماد بر این باور بود که جنبش‌های مقاومت در مسیر مبارزه با اسرائیل وظیفه دارند از روش‌ها و تاکتیک‌های گوناگون جنگ چریکی استفاده کنند. او با ابتکارات نوین و منحصر به فردی که داشت، عملیات مسلحانه‌ای را



مقاومت فلسطین «فتح» پیوست و در دوره‌های آموزش نظامی این جنبش در یکی از پادگان‌های منطقه الدامور در ۱۵ کیلومتری جنوب بیروت شرکت کرد. او در دوران

**رزمندگان مقاومت اسلامی براساس اعتقادات و باورهای دینی شان حاج عماد مغنیه را یکی از سربازان گمنام امام زمان (عج) توصیف می‌کردند. این توصیف دلایل معنوی و اخلاقی فراوان دارد. واقعیتی است که رزمندگان مقاومت به آن ایمان کامل دارند. این باورها را بر گرفته از اهداف عاشورا و قیام سرور شهیدان حسین بن علی (ع) و عشق به اهل بیت (ع) می‌دانند.**

فراگیری آموزش‌های نظامی و پرورش استعدادها سیاسی، مهارت و شایستگی وصف ناپذیری از خود بروز داد که فرماندهان نظامی جنبش فتح را شگفت زده کرد، و در نتیجه این شایستگی او را به عضویت یگان نظامی ۱۷ (نیروی ویژه ضربتی وابسته به سازمان آزادی بخش فلسطین) انتخاب کردند. این یگان مکلف بود نیروهای حفاظت ویژه از جان مسئولان سازمان آزادی بخش فلسطین همچون یاسر عرفات (ابو عمار) و شهید خلیل

در منابع گوناگون و موثق آمده است که عماد مغنیه مشهور به (حاج رضوان) روز دوازدهم ژوئیه سال ۱۹۶۲ در روستای طبردیا از توابع شهرستان صور در جنوب لبنان در یک خانواده محروم مذهبی دیده به جهان گشود. عماد دو برادر کوچکتر از خود به نام‌های جهاد و فؤاد داشت که هر دو در دهه گذشته توسط عوامل رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. حاج فایز مغنیه پدر عماد به علت فراهم نبودن شرایط اشتغال و کسب درآمد و از طرف دیگر به دلیل حمله‌های مکرر رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان همچون سرپرستان هزاران خانواده جنوبی همراه خانواده خود به بیروت کوچ کرد. حاج فایز ابتدا در محله فقیر نشین النبعه در منطقه مسیحی نشین شرق بیروت مسکن گزید، و پس از گذشت چند سال، و در پی آغاز جنگ‌های داخلی لبنان به محله شیعه نشین بئر العبد در بخش جنوبی بیروت انتقال یافت.

عماد مغنیه پس از گذراندن مراحل تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس دولتی بخش‌های فقیر نشین بیروت در دانشگاه آمریکایی بیروت ثبت نام کرد، اما به علت شرایط بحرانی آن مرحله از تاریخ لبنان امکان ادامه تحصیل برای او فراهم نشد، و همچون سایر جوانان پر شور و انقلابی راه جهاد و مقاومت را در برابر اشغالگران آمریکایی و اسرائیلی و عوامل آنان در لبنان در پیش گرفت.

**پیوستن به جنبش فتح**  
گفته شده که حاج رضوان در سن ۱۸ سالگی به جنبش

سرتاسر لبنان را فرا گرفت، همه ادارات و نهادهای دولتی فرو پاشیدند، دهها تن از سیاستمداران و دولتمردان از کشور گریختند. تنها مناطقی که امنیت داشتند و زندگی عادی خود را می گذراندند، مناطق مسیحی نشین شرق بیروت بودند. چرا که بسیاری از احزاب مسیحی مستقر در شرق بیروت که گرداننده دولت لبنان بودند با اسرائیل برای اخراج مبارزان فلسطینی از کشورشان سازش کرده بودند، و آتش جنگ به آن مناطق سرایت نکرده بود.

در چنین شرایطی شیعیان لبنان که از طرف جنوب تحت تعقیب و اشغال نظامیان صهیونیست و از طرف شمال در محاصره شبه نظامیان مسیحی و نیروهای حزب فلالته قرار داشتند، به تشکل و سازماندهی خود پرداختند. سه ماه از حمله اسرائیل به لبنان نگذشته بود که نیروهای چند ملیتی متشکل از تفنگداران آمریکایی، انگلیسی، چتربازان فرانسه و ایتالیا به منظور آرام کردن اوضاع و تحمیل دولتی دست نشانده در لبنان و تلاش برای امضای موافقتنامه صلح میان بیروت و تل آویو در مناطق گوناگون مسلمان نشین غرب بیروت استقرار یافتند.

در این میان احزاب و نیروهای ملی و اسلامی به منظور دفاع از خود در برابر متجاوزان و نجات کشور، عملیات مقاومت مسلحانه را بر ضد اشغالگران آغاز کردند. یکماه از آغاز این عملیات نگذشته بود که اسرائیلیها تا منطقه خلد در ۱۰ کیلومتری جنوب بیروت عقب نشینی کرده و نیروهای چند ملیتی نیز فرار را برقرار ترجیح دادند.

#### آغاز مبارزه خستگی ناپذیر

لبنان در سالهای ۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ دوران پسرانه‌ی راهپیمایی پست سر گذاشت. در سال ۱۹۸۲ پایگاه نیروی دریایی آمریکایی (مارینز) در نزدیکی فرودگاه بیروت در جریان یک عملیات شهادت طلبانه منفجر شد و در جریان آن ۲۴۱ نظامی آمریکایی کشته شدند. چند روز بعد ساختمان قرارگاه چتربازان فرانسوی در بیروت به هوا رفت، و در نتیجه آن ۵۸ سرباز کشته شدند. دیری نپایید که پایگاه فرماندهان نظامیان صهیونیست در منطقه البرج الشمالي در نزدیکی شهر صور در جنوب لبنان توسط شهید احمد قصبیر منفجر گردید، که حدود ۲۰۰ افسر و درجه دار اسرائیلی به هلاکت رسیده و یا زخمی شدند. در اوایل سال ۱۹۸۳ سفارت آمریکا در منطقه عین المرسیه در بخش غربی ساحل بیروت طی یک عملیات شهادت طلبانه منفجر گشت و حدود ۶۳ آمریکایی و لبنانی شاغل در آن به قتل رسیدند.

اهمیت این عملیات زمانی آشکار می شود که نیروهای جنبش مقاومت فلسطین در برابر تهاجم ارتش اسرائیل به سادگی از جنوب لبنان فرار نکردند. مقامهای آمریکا و فرانسه در پی این عملیات عماد مغنیه را مسئول برنامه ریزی و اجرای آن‌ها معرفی کردند، از آن روز نام عماد مغنیه در فهرست افراد تحت تعقیب سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا و فرانسه قرار گرفت. رونالد ریگان رئیس جمهوری وقت آمریکا طی سخنانی هنگام ورود پیکرهای سربازان مقتول آمریکایی به واشنگتن به مردم کشورش قول داد که دولت آمریکا اگر صد سال هم بگذرد عماد مغنیه را تعقیب و به مجازات خواهد رساند. همه این رویدادها در شرایطی اتفاق افتاد که عماد مغنیه بیست و سومین سال تولدش را پشت سر گذاشته بود. عملیات کیفی ضد غربی و ضد اسرائیلی در سرنوشت و آینده مقاومت در لبنان تأثیر بارزی بر جای گذاشت. دستاوردهای این عملیات بیش از انتظار عماد مغنیه و

بر اساس تاکتیک‌های نظامی که آموخته بود، به رزمندگان مقاومت توصیه می کرد همیشه در حال آماده باش باشند، و از امکانات و تجهیزات کافی برخوردار بوده باشند. او پس از عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، به تهیه تجهیزات و جنگ افزارهای پیشرفته مبادرت کرد. زیرا آن مرحله تاریخی را خیلی مهم، و سرنوشت ساز می دانست، و از میزان آمادگی ارتش رژیم صهیونیستی برای حمله مجدد به لبنان آگاهی داشت.



#### پیوستن به تشکیلات حزب الله

در آن مرحله تشکیلات حزب الله برای پیوستن عماد مغنیه هنوز به نحو محسوس و کامل سازماندهی نشده بود. ولی پس از تأسیس حزب الله عماد به صفوف آن پیوست و مسئولیت تشکیلات انقلابی و حفاظتی فضل الله را به برادرش جهاد واگذار کرد. در سال ۱۹۸۷ سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) با همکاری سرویس‌های اطلاعاتی برخی دولت‌های عربی و مزدوران محلی لبنان طرحی را برای ترور علامه سید محمد فضل الله تدارک دیدند. این طرح در برابر مسجد امام رضا در محله پر جمعیت بقرالعبد به مورد اجرا گذاشته شد که در نتیجه آن، انفجار مهیبی روی داد و ۷۰ شهروند لبنانی از جمله جهاد مغنیه برادر عماد مغنیه به شهادت رسیدند.

انیس نقاشی کارشناس لبنانی مسائل راهبردی در گفت و گو با خبرنگار شاهد بیان گفته است: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عماد مغنیه ۲۰ سال سن داشته است. در آن مرحله او را به مسئولان سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت معرفی کردم. عماد مغنیه در پی این معرفی برای

انجام می داد که در نتیجه آن اشک از چشمان اسرائیلی‌ها جاری می شد. در دوران جوانی با بیشتر گروه‌های انقلابی فلسطینی و لبنانی همکاری و هماهنگی عملیاتی داشت. دربارہ اصول و مبانی مبارزه با همدیگر رایزنی و تبادل نظر می کردند. تاکتیک و فنون رزمی از او می آموختند، و امکانات و اطلاعات در اختیار او قرار می دادند. روش‌ها و تاکتیک‌های او به گونه‌ای چشمگیر و موفقیت آمیز بود که خود اسرائیلی‌ها انتظار آن را نداشتند. و به همین دلیل بود که چند سال بعد به فرماندهی نظامی جنبش مقاومت اسلامی لبنان برگزیده شد.

پس از خروج نیروهای مقاومت فلسطین از لبنان در پی حمله نظامی گسترده اسرائیل به این کشور، و اشغال بیروت که حدود سه ماه طول کشید عماد مغنیه مقادیر زیادی از اسلحه و مهمات فلسطینی‌ها را مخفی کرده و سپس آن‌ها را به جنبش‌های اصل و رزمندگان حزب الله تحویل داد. او پس از طرح و تدارک و به مورد اجرا گذاشتن موفقیت آمیز چند رشته عملیات مسلحانه بر ضد پایگاه‌های نظامیان اسرائیلی و آمریکایی در بیروت و جنوب لبنان، مسئولیت فرماندهی گارد حفاظت از جان برخی مقام‌های بلند پایه مذهبی و انقلابی از جمله علامه سید محمد فضل الله روحانی مبارز لبنانی را بر عهده گرفت و دیری نگذشت که پس از بنیانگذاری تشکیلات نوپای حزب الله به عنوان مسئول عملیات ویژه مقاومت برگزیده شد.

پس گذشت حدود یک دهه از خروج سازمان آزادی بخش فلسطین از لبنان، نغمه بازگشت برخی گروه‌های فلسطینی به جنوب لبنان دوباره مطرح گردید. حاج عماد در پی شنیدن این خبر فلسطینی‌ها را از بازگشت مجدد به جنوب لبنان بر حذر داشت، و تأکید کرد که جوانان جنوب امکانات و توانایی مبارزه با اشغالگران را دارند و فلسطینی‌ها باید در داخل اراضی اشغالی با غاصبین سرزمین‌شان بجنگند. سرزمین جنوب به لبنانی‌ها تعلق دارد، و جوانان سلحشور جنوب بیش از دیگران از جغرافیای کشورشان شناخت دارند. مهمترین دیدگاه‌های حاج رضوان این بود که هیچ جنبش انقلابی نباید اشتباهات گذشته خود را تکرار کند. او همواره موفقیت‌ها و ناکامی یک جنبش را جمع آوری و مورد بازنگری مجدد قرار می داد. به منظور پیشبرد اهداف و آرمان مقاومت اسلامی، و توانمند سازی این جنبش یک مرکز بزرگ تحقیقاتی به وجود آورد. به منظور حفظ برتری نظامی آمادگی لازم به عمل آورد. نقاط قوت و ضعف دشمن را بررسی، و بر اساس آن راهکار تعیین می کرد، تا رزمندگان مقاومت همواره ابتکار عمل را در دست داشته باشند. به رزمندگان مقاومت اجازه نمی داد توسط اسرائیلی‌ها غافلگیر شوند.

**مهمترین دیدگاه‌های حاج رضوان این بود که هیچ جنبش انقلابی نباید اشتباهات گذشته خود را تکرار کند. او همواره موفقیت‌ها و ناکامی‌های جنبش‌های را بهی بخش را جمع آوری و مورد بازنگری مجدد قرار می داد. به منظور توانمند سازی و پیشبرد اهداف و آرمان مقاومت اسلامی یک مرکز بزرگ تحقیقاتی به وجود آورد.**

اولین بار به تهران آمد و در دیدار با برخی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بحث و رایزنی پرداخت. در پی اعزام نیروهای سپاه به لبنان در سال ۱۹۸۲ دیدارها و گفت و گوهای عماد با مقام‌های نظامی جمهوری اسلامی از سر گرفته شد، و او در زمینه ارائه طرح‌های راهبردی برای مبارزه با اشغالگران صهیونیست شجاعت و مهارت کم نظیری از خود نشان داد.

در زمانی که جنگ‌های داخلی لبنان به اوج رسیده بود، اسرائیل نیز در سال ۱۹۸۲ به بهانه اخراج نیروهای جنبش مقاومت فلسطین از لبنان به این کشور حمله کرد. در پی این حمله گسترده و غافلگیر کننده بحران و نا امنی



گزارش‌ها آمده است که او در خلال سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷ در دو نوبت چهره‌اش را با عمل جراحی ترمیمی تغییر داده است. رسانه‌های وابسته به محافل غربی و صهیونیستی در ادامه ادعاهای دروغین و به منظور مخدوش کردن چهره حزب الله لبنان در صدد برآمدند آمریکا را به حمله به پایگاه‌های حزب الله تشویق نمایند. این رسانه‌ها پس از حمله آمریکا به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان، ادعا کردند که عماد مغنیه در زمانی که اسامه بن لادن رهبر سازمان القاعده در خارطوم

محافل امنیتی آمریکا را به اختصاص جایزه ۲۵ میلیون دلاری تشویق کردند. در همان حال سرویس‌های امنیتی و جاسوسی مربوط به ۴۲ کشور جهان برای بازداشت و یا قتل او بسیج شده بودند.

عماد مغنیه هنگام تحصیل در حوزه علمیه علامه سید محمد حسین فضل الله با شهید شیخ راغب حرب و شیخ عبد الکریم عبید و بسیاری از روحانیون شیعه و سنی جنوب لبنان آشنا شده بود. مدتی از اشغال لبنان در تابستان سال ۱۹۸۲ نگذشته بود که افراد یاد شده با همکاری یکدیگر طرح کنترل منطقه نبطیه را تدارک دیدند. شهر نبطیه در منطقه مرکزی استان جنوب لبنان قرار دارد، و نقطه ارتباطی بخش ساحلی با بقاع غربی را تشکیل می‌دهد. بقاع غربی یک منطقه استراتژیک است که در مثلث مرزی لبنان و سوریه و فلسطین اشغالی واقع شده است.

هدف عماد مغنیه و همزمان او از تمرکز در منطقه نبطیه، گشودن خطوط تماس با نظامیان اسرائیلی و کنترل خطوط ارتباطی بخش‌های شرقی و غربی جنوب لبنان به ویژه ارتفاعات استراتژیک اقلیم التفاح بود، و این چیزی نبود که به آسانی به دست بیاید. آنان جنگ را از محور کفر شویا در ارتفاعات منطقه جزین آغاز کردند و سپس به روستاهای کفر ملکی، کفر حونه، جرجوع، جیاع، حبوش و عربصالیم پیشروی کرده تا سرانجام به مناطق مشرف بر شهر نبطیه رسیدند. هنگامی که جنوب لبنان به اشغال اسرائیلی‌ها درآمد، از عملیات بزرگ مسلحانه خبری نبود. گاهی عملیات پراکنده در برابر اشغالگران همچون عملیات رستوران ویمبی در خیابان الحمراء در مرکز تجاری بیروت و نبردهای جاده بیروت - صیدا در محور خلسه اتفاق می‌افتاد. اما عماد مغنیه جنگ‌های چریکی و پارتیزانی را به روش‌هایی که در اروپای شرقی بر ضد نازی‌ها و در برخی کشورهای شرق آسیا همچون ویتنام معمول بود آغاز کرد. البته اجرای اینگونه عملیات به بسیج جوانان و آماده سازی آنان نیاز داشت، که روحانیون مبارز جنوب همچون شهید شیخ راغب حرب این مأموریت را بر عهده داشتند. نیروهای مقاومت در این نبردها ضربات سختی به اشغالگران اسرائیلی و مزدوران محلی آنان وارد آوردند.

در پی پیروزی‌ها و دستاوردهایی که رزمندگان مقاومت کسب کردند، برای همه تحلیلگران نظامی آشکار شد که عماد مغنیه اندیشه‌ها و نظریه‌های استراتژیک در ذهن خود دارد. تا جایی که در یکی از مراحل نبرد رهایی بخش تصمیم گرفته بود ارتفاعات شویفات و عرمون و الدامور در جنوب بیروت را آزاد، و آن محورها را به شهر صیدا که

بسر می‌پرد با هوپیمای مسافربری به سودان رفته و درباره برنامه‌ریزی راه‌های اجرای عملیات گسترده بر ضد آمریکایی‌ها در مناطق گوناگون جهان بحث و رایزنی کرده است. رسانه‌های غربی نوشتند که عماد مغنیه در این دیدار آمادگی خود را برای انتقال تخصص و تجربیات حزب الله به نیروهای القاعده اعلام کرده، و بن لادن نیز متقابلاً موافقت کرده در ازای این همکاری، اسلحه و تجهیزات نظامی پیشرفته در اختیار حزب الله قرار دهد.

در گزارش‌های ضد و نقیض محافل امنیتی غربی گفته شده که در پی موفقیت عملیات مسلحانه این مبارز لبنانی در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ دولت‌های آمریکا و فرانسه نام عماد مغنیه را در صدر فهرست افراد تحت تعقیب دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی خود قرار دادند، و به منظور شناسایی و بازداشت او جایزه ۲۵ میلیون دلاری تعیین کردند. فرانسه نیز وانمود می‌کرد که در جستجوی این شیخ لبنانی است اما هر دو کشور یاد شده به بهانه‌های گوناگون از جمله ترس از پیامدهای بازداشت مغنیه، ادامه جستجوی او را متوقف کرده و این مأموریت را

**محافل اطلاعاتی و رسانه‌های غربی در ۲۵ سال گذشته شایعات و یاهو گوئی‌های فراوانی درباره حاج عماد مغنیه منتشر کردند که هیچ کدام آن‌ها باور کردنی نیست. هرگاه انفجاری در گوشه و کنار جهان روی می‌داد، به گونه‌ای زیرکانه آن را به عماد مغنیه نسبت می‌دادند.**

به سرویس‌های امنیتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی و برخی دولت‌های مرتجع عرب موکول کردند. در همان حال برخی منابع امنیتی لبنان، تعیین جایزه ۲۵ میلیون دلاری برای بازداشت مغنیه را واکنش دولت آمریکا به همکاری علنی او با حزب الله لبنان دانسته‌اند. به این دلیل که سید حسن نصر الله پس از انتخاب به دبیر کلی حزب الله، عماد مغنیه را به فرماندهی واحدهای نظامی مقاومت اسلامی برگزید. منابع گوناگون خبری هم در آن مرحله خبر دادند که سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی پس از برود شدن دو نظامی اسرائیلی در جنوب لبنان در سال ۱۹۸۶ و ناتوانی برای آزادی‌شان،

اسلامگرایان لبنان چشمگیر بود، زیرا معادلات سیاسی منطقه را بکلی دگرگون، و محاسبات بین‌المللی را نقش بر آب کرد.

در پی این عملیات کوبنده، عماد مغنیه کمی به استراحت و پنهان کاری و بازسازی تشکیلات خویش نیاز داشت. اما او در مرحله استراحت نیز آرام ننشست. به باروری تیم عملیاتی مخصوص خود پرداخت. آن روزها از دست دولت لبنان کاری ساخته نبود، و حرف اول را حاج رضوان می‌زد و نه آمریکا و اسرائیل. کسانی که با او همکاری می‌کردند، بی‌چون و چرا فرمانبر دستورات او بودند. او را فرمانده و راهنمای خود می‌دانستند. ولی آمریکا و اسرائیل از بلاهایی که در سال‌های ۱۹۸۲ - ۱۹۸۴ بر سرشان در لبنان آمده بود عبرت نگرفته و به اجرای توطئه و دسیسه چینی در لبنان ادامه دادند، و این سبب شد حاج رضوان دوباره به صحنه باز گردد.

منابع امنیتی غربی در تجزیه و تحلیل عملیات حاج رضوان چنین گفته‌اند: «روزی سر و کله عماد مغنیه از پنجره اطاق خلبان هوپیمای مسافربری آمریکایی (A.W.T) در فرودگاه بیروت ظاهر شد. دو مبارز لبنانی به نام‌های حسن عز الدین و علی عطوی در این اقدام به او کمک می‌کرده‌اند. آمریکایی‌ها با تقاضاهای عماد مغنیه به شدت مخالفت کردند، ولی پس از گذشت سه روز، و زمانی که از تأمین خواسته‌های ریابندگان خبری نشد. ناگهان پیکر یکی از افسران نیروی دریایی آمریکا که مسافر این هوپیمای بوده در برابر دوربین‌های نمایندگان رسانه‌های خبری و خبرنگاری‌های دنیا از درب هوپیمای به زمین فرودگاه پرتاب شد، و آنگاه آمریکایی‌ها به خواسته‌های عماد مغنیه ترتیب اثر دادند.

محافل اطلاعاتی و رسانه‌های غربی در طول ۲۵ سال گذشته شایعات و یاهو گوئی‌های فراوانی درباره عماد مغنیه منتشر کردند، که هیچ کدام آن‌ها باور کردنی نیست. هرگاه انفجاری در گوشه و کنار جهان روی می‌داد، رسانه‌های اسرائیلی و غربی به گونه‌ای زیرکانه آن را به عماد مغنیه نسبت می‌دادند. باوجودی که هیچ جریانی حاضر نبود مسئولیت این انفجارها را بر عهده گیرد و یا دست داشتن در آن را تکذیب کند. رسانه‌های غربی از آغاز دهه نهم از قرن بیستم همواره ادعا می‌کردند که عماد مغنیه با گذرنامه‌های جعلی و با اسامی مستعار به کشورهای مختلف سفر می‌کرده است. در یکی از این



می‌شد، اما او با هوشیاری و زیرکی همیشگی اش جان سالم به در می‌برد. تلاش‌های ناکام موساد برای شناسایی محل کار و زندگی عماد مغنیه و جلوگیری از اجرای برنامه‌ها و حرکت‌های او همواره به یک معمای پیچیده تبدیل شده بود. به نحوی که موفقیت‌های پی در پی حزب الله در عملیات نظامی خود ضعف بیش از پیش موساد را در حل این معما آشکار می‌ساخت.

محافل جاسوسی و امنیتی آمریکای، روزی عماد مغنیه و اسامه بن لادن رهبر سازمان القاعده و عبد القدر خان سازنده بمب هسته‌ای پاکستان را خطرناکترین سه مرد روی کره زمین عنوان کردند. صرف‌نظر از بن لادن که پیروان او با اقدامات تروریستی‌شان افراد غیر نظامی و شهروندان بی‌دفاع را به قتل می‌رسانند، و در دل مردم سرتاسر جهان رعب و وحشت می‌آفرینند، ولی شهید عماد مغنیه در راه آزادی میهن و دفاع از اعتقادات مردم کشورش در برابر تجاوزگری‌های آمریکا و اسرائیل مبارزه می‌کرد. او با اعتقاد بر این ایده که «هیچ چیز ناممکن نیست جوانان پرشور و انقلابی را به تلاش برای آزادی لبنان و فلسطین تشویق می‌کرد. دامنه عملیات مسلحانه او هرگز از مرزهای جغرافیایی لبنان و فلسطین فراتر نرفت و محافل و رسانه‌های صهیونیستی و غربی که اتهامات ناروایی به او بستند، یاهو گویی بیش نبوده است.

مهمترین جرم عماد مغنیه این بود که با سازماندهی عملیات شهادت طلبانه در اوایل سال‌های دهه هشتم از قرن بیستم همه توطئه‌های آمریکا و اسرائیل را در لبنان و منطقه نقش بر آب کرد... محاسبات آنان را به هم ریخت و کشورش را از وابستگی نهایی به اسرائیل نجات داد... تنها به این دلیل او را به شهادت رساندند و از او انتقام

رسیده است.

حزب الدعوة اسلامی در آن برهه به شدت با رژیم حزب بعث عراق درگیر بود، و تداوم حکومت صدام را از کمک‌های آمریکا و فرانسه و شیخ نشینان عرب خلیج فارس ناشی می‌دانست. حزب الدعوة در واکنش به این حمایت‌های همه جانبه و سکوت محافل سیاسی غرب نسبت به جنایت‌های مستمر صدام در عراق، در سال ۱۹۸۴ سفارتخانه‌های آمریکا و فرانسه را در کویت منفجر کرد، ولی محافل امنیتی کویتی و غربی اعلام کردند که گروه‌های وابسته به عماد مغنیه عامل انفجار سفارتخانه‌های کشورهای

مذکور بوده اند. از سوی دیگر مقام‌های امنیتی کویت عماد مغنیه را مسئول ربودن یک فروند هواپیمای مسافربری کویتی و قتل دو سرنشین آمریکایی آن عنوان کردند. پس از شهادت حاج رضوان در منطقه کفر سوسه در جنوب شهر دمشق اخبار ضد و نقیض فراوانی درباره دست داشتن او در بسیاری از عملیات ضد صهیونیستی منتشر گردید، که با هیچ عقل و منطق سازگار نمی‌باشد. در برخی از این گزارش‌ها تصریح شده که عماد مغنیه در واکنش به ترور شهید سید عباس موسوی دبیر کل پیشین حزب الله توسط رژیم صهیونیستی، سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین در سال ۱۹۹۲ و مجمع یهودیان آرژانتین را در سال ۱۹۹۴ منفجر کرد که در نتیجه آن دو عملیات حدود ۲۰۰ یهودی کشته شدند. همچنین در برخی گزارش‌ها آمده است هنگامی که خوابگاه کارشناسان نظامی آمریکا در شهر

نفت خیز الخیر در شرق عربستان سعودی در سال ۱۹۹۶ منفجر شد و در جریان آن ۱۹ آمریکایی کشته شدند، دولت آمریکا این اقدام را از همکاری عماد مغنیه با سازمان القاعده ناشی دانست. اما تاکنون هیچ سر نخ قطعی از عاملان این انفجار به دست نیآورده است.

افزون بر آن، محافل اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی، عماد مغنیه را به جرم ادامه مقاومت و جهاد خستگی ناپذیر و برنامه ریزی و اجرای عملیات‌های گوناگون ضد صهیونیستی متهم کردند. این مجاهد نستوه که در طول حیات پسر برکت خود دوست نداشت در برابر دوربین عکاسان رسانه‌های اطلاع رسانی ظاهر شود. او را با نام و کنیه‌های مختلفی معرفی می‌کردند. در طول ۲۵ سال گذشته دهها اقدام تروریستی از سوی سازمان‌های امنیتی رژیم صهیونیستی به منظور ترور ایشان ناکام می‌ماند، یا هر بار شخص مشابهی مورد سوء قصد قرار می‌گرفت. اگر چه در برخی موارد، سوء قصدها مستقیماً به شخص حاج رضوان نشانه گیری



مرکز اداری جنوب لبنان می‌باشد وصل کند. چرا که گفته شده بود انواع تجهیزات و سلاح‌های رزمندگان مقاومت فلسطین در این منطقه مخفی شده است، انبارهای اسلحه نهفته در این منطقه در مراحل گوناگون اشغال جنوب لبنان و پس از آزادی آن همواره مورد حمله‌های هوایی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی قرار می‌گرفته است.

مهارت و شایستگی و اندیشه راهبردی عماد مغنیه برای پایان دادن به جنگ و برادر کنشی میان نیروهای سازمان آزادی بخش فلسطین، و جنبش امل در منطقه مغدوشه به روشنی تجلی یافت. مغدوشه نام تپه‌ای با موقعیت استراتژیک و مشرف بر اردوگاه آوارگان فلسطینی عین الحلوه در جنوب شهر صیدا می‌باشد. نیروهای فلسطینی و جنبش امل در سال ۱۹۸۶ و در اوج جنگ‌های داخلی لبنان در صدد بر آمدن این تپه استراتژیک را به تصرف خود درآوردند. حاج رضوان به منظور جلوگیری از درگیری و برادر کشی میان فلسطینی‌های هوادار یاسر عرفات رئیس پیشین سازمان آزادی بخش فلسطین و جنبش امل چند گردان از رزمندگان مقاومت اسلامی را میان طرفین درگیر مستقر کرد، و از بروز فاجعه بزرگ میان گروه‌های متخاصم لبنانی و فلسطینی در این منطقه جلوگیری به عمل آورد. در حقیقت فهرست اتهامات غربی‌ها به حاج رضوان بسیار

**تلاش‌های ناکام موساد برای شناسایی محل کار و زندگی عماد مغنیه و جلوگیری از اجرای برنامه‌ها و حرکت‌های او همواره به یک معمای پیچیده تبدیل شده بود. به نحوی که موفقیت‌های پی در پی حزب الله در عملیات نظامی خود ضعف بیش از پیش موساد را در حل این معما آشکار می‌ساخت.**



و به نوار اشغالی جنوب گریخت. حزب الله با همکاری اداره اطلاعات ارتش لبنان موفق شد احمد الحلاق را که به روستاهای اشغالی شده جنوب فرار کرده بود، فریب دهد و به بیروت احضار کند. سپس دادگاه نظامی لبنان پس از بازجویی و محاکمه در زندان رومیبه بیروت او را اعدام کرد.

جزئیات و مشخصات انواع سلاح‌ها و جنگ افزارهای دشمن را خوب شناخته بود. امتیازات و ویژگی‌های تانک‌های پیشرفته مرکاوا را تشریح می‌کرد. او می‌گفت که سپر این تانک‌ها به قدری ضخیم است که موشک «آر پی چی هفت جابگوی آن نیست، و برای از کار انداختن این نوع تانک‌ها باید موشک‌های کورنیت ساخت روسیه تهیه کرد. مشخصات جنگنده‌های رژیم صهیونیستی را خوب شناخته بود، و برای نداشتن موشک‌های ضد هوایی به منظور مقابله با این جنگ افزارها افسوس می‌خورد. نظر به اینکه مقاومت اسلامی برای تهیه موشک‌های ضد هوایی پیشرفته با مشکل جدی مواجه بود حاج عماد مغنیه به تأمین موشک‌های زمین به زمین با بردهای مختلف روی آورد. اکنون سرتاسر سرزمین‌های اشغالی فلسطین در تیر رس این موشک‌ها قرار دارد. او بر این باور بود که جنگ با رژیم صهیونیستی جنگ بقاست... از جنگ‌های سرنوشت ساز منطقه است. به همین دلیل واحدهای رزمی چریکی و در عین حال تشکیلات نظامی کلاسیک و بسیار منظم آماده کرده بود. در مدت شش سالی که از آزادی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۰۶ گذشت تحول بزرگی در سازماندهی مقاومت اسلامی و مجهز شدن این جنبش به انواع تجهیزات پیشرفته نظامی به وجود آمد.

برخی صاحب‌نظران عقیده داشتند که با شهادت حاج رضوان خسارت جبران ناپذیری بر حزب الله وارد آمده است، ولی سید حسن نصر الله این طرز فکر را به شدت رد نموده و خاطر نشان ساخت که مقاومت اسلامی هزاران عماد مغنیه در اختیار دارد. آموزه‌ها و راهکارهای او در سرتاسر منطقه فراگیر شده است. مجاهدان فلسطینی و انقلابیون عرب اکنون او را الگو و سرمشق خود قرار داده‌اند. تاکتیک‌ها و روش‌هایی که نیروهای مقاومت فلسطین در روبرویی با تهاجم نظامیان صهیونیست به غزه در سال ۲۰۰۸ به کار گرفتند و از پیشروی آنان به عمق نوار غزه جلوگیری کردند بر گرفته از راهکارها و تاکتیک‌های حاج عماد مغنیه بوده است. رژیم صهیونیستی که در پنجم ژوئن سال ۱۹۶۷ با چهار کشور عربی وارد جنگ شد و بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های آن‌ها را به اشغال درآورد، در جنگ سال ۲۰۰۸ نتوانست به آسانی نوار غزه را به تصرف خود در آورد. اکنون هم نمی‌داند با حزب الله لبنان چه برخوردی باید داشته باشد. هم اینک به برکت خون حاج رضوان، روح شهادت و ایثارگری در خاورمیانه فراگیر شده است.

برخی منابع مستقل و نزدیک به حزب الله گفته‌اند که عماد مغنیه پس از جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ بیشتر فعالیت‌های خود را در خارج لبنان متمرکز کرد. کوشید تجربیات و آموزه‌های خود را به جنبش‌های مقاومت در عراق و فلسطین منتقل نماید. به همین دلیل میان کشورهای منطقه در حال رفت و آمد بود، و ناگزیر با بسیاری از عوامل سازمان‌ها و جنبش‌های مقاومت که برخی‌شان مسائل امنیتی را به طور دقیق رعایت نمی‌کردند، تماس داشت. مسئله دیگر این است که وجود امنیت نسبی در سوریه نمی‌توانست امنیت جانی او را تأمین کند. و این یک نقطه ضعف به شمار می‌رفت و پیامد ناگوار برجای گذاشت. ■



معنوی و اخلاقی فراوان دارد. واقعیتی است که رزمندگان مقاومت به آن ایمان کامل دارند. این باورها را بر گرفته از اهداف عاشورا و قیام سرور شهیدان حسین بن علی (ع) و عشق به اهل بیت (ع) می‌دانند.

یکی از فرماندهان مقاومت جزئیات یکی از دیدارهای حاج رضوان از جبهه‌های جنوب لبنان را چنین بازگو کرده است: «باور کنید هنگامی که به جبهه می‌آمد از او وحشت داشتیم. اثر حضور او میان رزمندگان بیش از تأثیر گذاری سید حسن نصر الله بود. روزی به شوخی به او گفتم که برخی رزمندگان هنگام حضور نصرالله در جبهه‌ها با شوخی به ایشان می‌گویند که دستورات‌شان را به طور دقیق به مورد اجرا نمی‌گذارند. اما هرگز جرأت ندارند از دستورات حاج عماد سرپیچی کنند. از عماد مغنیه خواستم

**سازمان موساد از حاج عماد کینه‌ای زیاد به دل داشت. او را کابوسی می‌نامید که خواب راحت را شبانه روز از اسرائیلی‌ها ربوده است. در همین حال سازمان‌ها و سرویس‌های جاسوسی کشورهای گوناگون جهان عماد مغنیه را «روبا» نامیده بودند.**

روی کاغذ سفید برای من امضا کند، تا امضای او را به رسم یادگاری نگه دارم. خودکار را به دست گرفت و امضا کرد، و به رزمندگان حاضر گفت که امکان ندارد کسی امضای او را جعل کند. اگر جعل کننده به آسمان‌ها هم فرار کند او را پایین می‌آورد».

عماد مغنیه به مدت ۲۵ سال خواب را از چشمان اسرائیلی‌ها ربوده بود. سرویس‌های جاسوسی موساد و شتاباک میلیون‌ها دلار هزینه کردند تا به او دسترسی پیدا کنند. اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۹۴ توانستند فؤاد برادر کوچکتر او را در بخش جنوبی بیروت که پایگاه مردمی حزب الله می‌باشد ترور کنند. یک مزدور محلی اسرائیل به نام احمد الحلاق خوردی فؤاد مغنیه را بمب گذاری کرد

گرفتند، که با توانمند سازی مقاومت اسلامی لبنان یکی از بزرگترین ارتش‌های منطقه را در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ شکست داد.

#### عماد مغنیه از نگاه رزمندگان مقاومت

حاج رضوان یکی از شخصیت‌های جدال برانگیز و گرداننده تشکیلات نظامی مقاومت اسلامی شاخه نظامی حزب الله لبنان بود. از میان هزاران رزمنده مقاومت، تعداد کمی او را می‌شناختند و یا نامش را شنیده بودند. چه بسا هویت او نیز برای بسیاری از فرماندهان ستاد مقاومت که به طور مستقیم با او همکاری داشتند روشن نبود. گفته شده که اعضای حزب الله و رزمندگان مقاومت هنگام دیدار با سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله اشک شوق در چشمان‌شان حلقه می‌زده است، اما هرگاه نام عماد مغنیه به گوش‌شان می‌رسیده بدن‌شان به لرزه در می‌آمده است. در ستادهای عملیاتی و فرماندهی مقاومت نیز افراد اندکی او را از نزدیک می‌شناختند، و به ندرت با او دیدار و مشورت کرده‌اند. کسانی هم که توفیق نصیب‌شان شده و یکی دو بار حاج رضوان را دیده‌اند، ترجیح داده‌اند هرگز راز دیدار با مرد ۲۵ میلیون دلاری را فاش نکنند. چرا که آمریکا برای شناسایی او این مبلغ را پیشکش کرده بود.

در محافل بازتر حزب الله، عماد مغنیه را سایه و شبیح توصیف می‌کردند. چه بسا بسیاری از اعضای حزب به منظور رد گم کردن، و فریب دشمن و نمود می‌کردند که عماد مغنیه یک شخصیت فرضی است و وجود واقعی ندارد. برخی از اعضای پایین‌تر حزب الله نیز نسبت به نقش او در پیروزی‌های چشمگیر مقاومت اسلامی بر اسرائیل شک و تردید ایجاد می‌کردند. ولی محافل امنیتی، و سرویس‌های جاسوسی اسرائیل او را شناخته بودند. سازمان موساد از حاج عماد کینه‌ای زیادی به دل داشت. او را کابوسی می‌نامید که خواب راحت را شبانه روز از اسرائیلی‌ها ربوده است. در همین حال سازمان‌ها و سرویس‌های جاسوسی کشورهای گوناگون جهان عماد مغنیه را «روبا» نامیده بودند.

جوانان و رزمندگان مقاومت اسلامی براساس اعتقادات و باورهای دینی‌شان عماد مغنیه را یکی از سربازان گمنام اسام زمان (عج) توصیف می‌کردند. این توصیف دلایل